

نوا

دل پریشانی کوبیتی پور



بعد از پخش کلیپ دوصدایی و همخوانی همایون شجریان وعبیر نعیمه خواننده لبنانی، هفته گذشته هم‌زمان با روز دختر، این بار غلام کوبیتی پور همخوانی خود با یک دختر ۱۳ ساله را منتشر کرد که البته فضای مجازی را پر و انکش ساخت. شعری که او در این قطعه می خواند بیشتر به گفت و کلام ژانر رپ می ماند. غلام کوبیتی پور روز گاری با خواندن «ممن ندودی بیینی» برای آزادی خرمشهر در دهه شصت و «عمه بابایم کجاست» برای مداحی روز عاشورا معروف ترین چهره مردمی مداحی ایران بود که سلیقه متفاوتی داشت و علایقی به خوانندگانی چون داریوش اقبالی، که این علایق را بر زبان می آورد و البته صدای او مدت هاست از صداوسیما پخش نمی شود. او در آلبوم غریبانه دو که بعد از چند سال سکوت در دهه هشتاد منتشر کرد به سراغ موسیقی رفته بود و برای ارائه خوانندش موسیقی را به کار گرفته بود. از این رو دیگر کارهای او مداحی صرف محسوب نمی شد.

حتی او خود نیز خود را حماسه خوان و روایت خوان حماسه می نامید. حالا او در این روزها چهره دیگری از خود نشان داده است، آن هم در حالی که صدای زنان از سال ۵۸ اجازه پخش نداشته است. اما دنیای مجازی و موج چهارم این امکان را فراهم ساخته است که گاهی از این دست رویدادها در آن صورت پذیرد و روایتش ها را جلب کند.

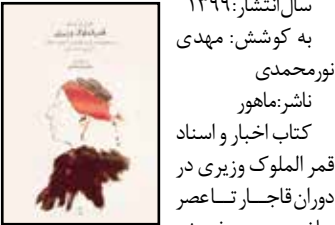
رضایهرام کرونا گرفت



تست کرونا ی رضایهرام خواننده پاپ که مدتی در بستر بیماری بود مثبت اعلام شد. این خبر را توتونچیان برنامه گزار رضایهرام اعلام کرده است و گفته: «نتیجه آزمایش کرونا ی این خواننده روز جمعه مثبت اعلام شده است. در حدود ۵ روز است که به گفته پزشک معالج بهرام، ریه های این خواننده در گیر این ویروس شده است و هم اکنون در منزل خود در قرنطینه به سر می برد.»

نوا

انتشار اخبار واسناد
قمر الملوک وزیری



تنظیم شده است: بخش اول اخبار که در آن، هر گونه خبر مرتبط با قمر الملوک وزیری امم از: اعلان کنسرت ها و فروش صفحات گرامافون، خاطرات و نوشته های قمر، برنامه های او در رادیو، خاطرات و نوشته های دیگران درباره او و اخبار بیماری، مرگ و خاکسپاری قمر از میان روزنامه ها و مجلات عصر پهلوی اول و دوم که برخی از آنها کمیاب و یادیر یاب هستند، گردآوری شده است.

بخش دوم، به اسناد اختصاص دارد که همگی از آرشیو اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران استخراج و با خوابی شده اند.

این کتاب با توجه به ارائه نکات و آگاهی های نو و منتشر نشده، موجب شناخت بیشتر درباره قمر الملوک وزیری و زندگی و آثار او شده و در پیچه جدیدی به روی پژوهشگران و علاقه مندان این چهره ی فرهنگی، هنری و اجتماعی عصر پهلوی اول و دوم می گشاید.

پهنه فرهنگ و هنر رودکی
در مقابل تالار وحدت با
حراج آبروی ارکسترو
آشکار کردن ماهیت اصلی
مدیران فرهنگی و هنری
افتتاح شد. شهردار و
همراهانش حین نواختن
ارکستر محل را ترک
کردند و ارکستر همچنان
می نواخت: حال آنکه
رهبر ارکستر باید در این
شرایط رقت بار فرمان پایان
نواختن را صادر می کرد



و هنر بوده و هستند. اینکه چرا در این سال ها در جاذده ایم و روبه زوال و قهقرا رفته ایم همه علتش در همین ماجرا هویدا بود. این سکانس طلایی هر چند بسیار تلخ و تکان دهنده، روایتگر تمام آن چیزهایی است که بر هنر و فرهنگ در این سال ها رفته، شأنی که هر روز از آن ها سلب و بده بستانی که به کمک آن ها در بازی قدر تمندان انجام شده است.

پهنه فرهنگ و هنر رودکی در مقابل تالار وحدت با حراج آبروی ارکستر و آشکار کردن ماهیت اصلی مدیران فرهنگی و هنری افتتاح شد تا هر چند مدیران شهری فکری به حال پارکینگ مخاطبان این تالار نکرده اند و معضل جای پارک برای مردم همچنان مساله اصلی است اما شاید در این روزگار تنگی معیشت و سختی زندگانی، برای دست فروشان فضای جدیدی را در آینده نزدیک فراهم آورده باشد.

خانه موسیقی، موزه موسیقی، موسسه توسعه هنرهای معاصر و بنیاد رودکی مدیریت کرده اند این یک رسوایی بزرگ بود که پس از سال ها ادعا در عرصه هنر و فرهنگ و مدیریت آن اکنون نتوانستند برای ۵ دقیقه یک مسئول را به تمکین از اصل احترام به هنر وادارند و در کمال تعجب آن ها نیز همراه شهردار شدند و متولی وار حرمت امام زاده را شکستند.

و متأسفانه ارکستر پس از ترک محل توسط شهردار و همراهانش همچنان می نواخت بدون اینکه بفهمد و بداند که اکنون موقعیت

شایسته اجرا نیست و همان لحظه باید رهبر ارکستر فرمان پایان نواختن را صادر می کرد. وضعیت آشفته ای که پس از ترک ارکستر حاکم شد و حالت بهت زده ای که اندکی بعد بر چهره مدیران بنیاد رودکی و وزارت ارشاد چنبره زده بود نشان از جا خوردن آن ها از این ماجرا داشت که البته خود نیز تازه داشتند ابعاد این بی احترامی را درک می کردند. و البته ضعف مدیریت بنیاد رودکی بر این افتتاحیه را بیشتر آشکار می کرد. که برای چه از ارکسترها برای حضور شهردار هزینه کرده است و چرا ارکستر را در هر جایی خرج می کند و شأن آن را این گونه زیر پا له شده می خواهد؟

اینکه ما سال هاست از ناکارآمدی مدیریت در عرصه های دولتی فرهنگ و هنر رنج می بریم گناهش به گردن همان هایی است که در همین افتتاحیه نشان دادند چقدر مدیران کارآمدی در حوزه فرهنگ

هیچ شأنی قائل نمی شوند و حتی در کوچه و خیابان نیز برای سیاستمداران حاضر به بردن و اجرای ارکستر هستند. گویی ارکسترداری یعنی عمله طرب داری. ضمن اینکه اتفاق ناخوشایند و زشتی در این افتتاحیه رخ داد و آن بی توجهی شهردار به نواختن ارکستر و ترک محل در حین نواختن ارکستر بود. پس از اینکه دو قطعه توسط ارکستر نواخته شد

در ابتدای قطعه سوم شهردار تهران با تمامی همراهانش که در دور و اطراف او ایستاده بودند آنجا را به قصد انجام برنامه افتتاح پیاده راه توسط شهردار منطقه ترک کرد و فاجعه آنجا بود که ارکستر همچنان داشت می نواخت و کسی از همراهان فرهنگی و هنری شهردار که اتفاقاً همگی سال ها از مدیران فرهنگ و هنر این مملکت در این چهل سال بوده اند او را متوجه این موضوع نساخت که چه بی احترامی بزرگی به ساحت هنر، موسیقی، ارکستر و نوازندگان آن شده است. و البته رقت بار آنکه آن ها نیز همراه با شهردار همراه شدند و محل اجرای ارکستر را ترک کردند.

البته از شهردار تهران که سابقه تحصیلی در معماری را دارد انتظار احترام بیشتری به هنر داشتیم چرا که به میمنت حضور او ارکستر ترتیب داده شده بود اما اگر نیک بنگریم بر شهردار و سیاستمداران حرجی نیست و چنین رفتارهایی از آن ها دور از انتظار نیست اما بر مدیران دولتی فرهنگ که سال ها بر عرصه های بزرگی چون وزارت فرهنگ و ارشاد، معاونت هنری وزارت ارشاد، شورای موسیقی،



هنگام نواختن ارکستر؛ شهردار و همراهان صحنه را ترک کردند

نمونه‌ای شگرف از رفوزگی در امتحان فرهنگ و هنر!



کرد. هر چند حرمت امام زاده را باید متولی نگه دارد و این ایراد و اشکال به نوازندگان وارد است که نباید در هر جایی ساز بزنند اما در این شرایط سخت معیشتی و روزگار تعطیلی فعالیت های موسیقی به علت شیوع بیماری کرونا بر نوازندگان و موزیسین ها نمی توان زیاد خرده گرفت. و از آنجایی که برنامه گذار بنیاد رودکی است که به نوعی مالک هر دو ارکستر ملی و سمفونیک تهران نیز هست بیشتر ایراد به او برمی گردد.

تاکنون اگر اجراهای مناسبی و مجلسی برای رویدادهای سیاسی روی سن تالار وحدت صورت می گرفت که البته همواره مورد غضب اهل فن و هنر و دوستداران ارکسترهای حرفه ای در ایران بود چرا که این گونه اجراها را دون شأن ارکستر و در حد مطربان درباری می دانستند؛ این بار دوران جدیدی آغاز شده که برای ارکستر دیگر

بنیاد رودکی داشته است اما بنیاد رودکی افتتاحیه ویژه ای را با دعوت از شهردار تهران، اعضای کمیسیون فرهنگی شورای شهر، مدیرعامل و اعضای خانه موسیقی، معاون هنری فعلی و قبلی وزیر ارشاد، مدیر سابق دفتر موسیقی، مدیرعامل سابق بنیاد رودکی و مدیر کل آموزش و توسعه فعالیت های فرهنگی وزارت ارشاد ترتیب داده بود. و البته خلاف آن گونه که همواره می شود این بار اغلب خبرنگاران حوزه موسیقی به این رویداد دعوت نشده و از این افتتاحیه بی خبر بودند.

برای این مراسم افتتاحیه، آن هم در شرایط شیوع بیماری کرونا، بنیاد رودکی ارکستری متشکل از اعضای ارکستر ملی و سمفونیک تهران و برخی نوازندگان خارج از آن ها را ترتیب داده بود و سن نیز در خیابان، بیرون از مجموعه تالار وحدت چیده شده بود. در این برنامه چند قطعه موسیقی ایرانی نواخته شد و وحید تاج به رهبری سهراب کاشف در آن خواند.

این اتفاق در تاریخ ارکسترداری نمونه شگرفی است و برای ارکسترداری در بنیاد رودکی خبر از تحولاتی عجیب و دور از انتظار داده بود. البته بماند که هنوز علت خرسندی مدیران فرهنگی و هنری دولت از شهرداری در هاله ای از ابهام قرار دارد و مشخص نیست چه آورده ای این پیاده راه برای



بینا یاری

دوم تیر ماه در اثنای افتتاح پهنه فرهنگ و هنر رودکی در مقابل تالار وحدت، اتفاق بزرگی در حوزه موسیقی و فرهنگ این مملکت افتاد که نشان از میزان عمق تأثیر پذیری هنر و فرهنگ در بین مدیران دولتی فرهنگ و سیاستمداران اتفاقاً هنر خوانده داشت. این رویداد که می توان آن را در تحلیل سینمایی به عنوان یک سکانس طلایی یاد کرد؛ حادثه ای بود که آینه تمام نما و موجزی از وضعیت فرهنگ و هنر این چند دهه بود که نکاتی کلیدی و بسیار مهم را در تحلیل علت به زوال کشیدن فرهنگ و هنر نشان می داد. افتتاحیه پیاده راه جدید بلوار شهریار سابق، که بستر سازی و ایجاد آن نزدیک به یک سال طول کشیده و معضلاتی را برای جای پارک مخاطبان برنامه ها ایجاد کرده بود، همان سکانس طلایی سال ها مدیریت فرهنگی است. مدیرعامل بنیاد رودکی برای تشکر از عاملین احداث این پیاده راه ویژه برنامه ای برای افتتاح آن ترتیب داده بود. البته بماند که هنوز علت خرسندی مدیران فرهنگی و هنری دولت از شهرداری در هاله ای از ابهام قرار دارد و مشخص نیست چه آورده ای این پیاده راه برای

دنگ و دونگ

ارزیابی های چهاردهمین دوره جشنواره ملی موسیقی جوان آغاز شد

داوری های کم شبهه و عادلانه؛ با قابلیت الگوبرداری

لیلا موسی زاده

از ابتدای تیر ماه دقیقاً از هفته گذشته هم زمان با شروع تابستان، بخش داوری اولیه جشنواره رقابتی ملی موسیقی جوان آغاز به کار کرد تا چهاردهمین دوره این رویداد ملی یک گام به شناختن برگزیدگان با ارزیابی و رأی هیئت داوران نزدیک تر شود. آثار شرکت کنندگان این رویداد همچون سال گذشته در مرحله اول به صورت غیر حضوری ارزیابی می شوند و حضور در مسابقات به صورت ارسال فایل ویدئویی از طریق اینترنت (بارگزاری در سامانه بانک اطلاعات هنرمندان کشور، بامک) بوده و تنها داوران در ارزیابی ها گرد هم می آیند.

چهاردهمین دوره جشنواره ملی موسیقی جوان، هشتمین دوره آن است که به صورت پیاپی به دبیری دکتر هومان اسعدی، استاد و مدیر گروه موسیقی دانشگاه

تهران، برگزار می شود و به یمن همین حضور و ثبات توانسته تحول عظیمی در این جشنواره فراگیر ایجاد کند و اثربشی باشد. جشنواره ای که در گستره کشور برگزار می شود و امکان رقابت در موسیقی های دستگاهی، نوای و کلاسیک غربی را برای جوانان زیر ۳۰ سال کشور فراهم آورده است، امسال در چهاردهمین دوره برگزار می آن که با شروع بیماری جهان گیر کرونا همراه شده است به صورت الکترونیکی و اینترنتی پذیرای شرکت کنندگان خود بوده است و علاقه مندان به شرکت در این رقابت ها می بایست فیلم فعالیت موسیقایی خود را به دبیرخانه جشنواره ارسال می کردند. در این دوره ۲۴۰۰ شرکت کننده به فراخوان پاسخ داده و در جشنواره شرکت کرده اند.

اکنون که دوره داوری ها فرار سیده است، این تنها داوران هستند که در جلسات داوری آثار شرکت می کنند تا آثار غربالگری شده

در مرحله فراخوان اولیه این دوره ر ارزیابی کنند. از آنجایی که امسال مسابقات به صورت حضوری برای رقابت کنندگان برگزار نمی شود تنها فایل یا اثر صوتی هر شرکت کننده مورد ارزیابی شنیداری قرار می گیرد. البته دبیر جشنواره جوان چند دوره است که تمهید بسیار درستی برای دفاع تمام قد از ارزیابی و داوری ها اندیشیده که امسال در تمامی بخش ها اعمال شده است، به این صورت که به جای ویدئو هر شرکت کننده تنها فایل صوتی اثر آن هم به صورت گد گذاری شده برای داوران پخش می شود و هیچ گونه قابلیت شناسایی موزیسین جوان شرکت کننده در رقابت ها وجود ندارد. این اولین دوره ای است که به صورت صرف موسیقی و صدایی که شنیده می شود مورد ارزیابی قرار می گیرد و داوران هیچ گونه فیلم و تصویری از شرکت کنندگان در اختیار ندارند و همچنین فرم های داوری نیز تنها با گد شرکت کنند امتیازدهی می شوند

تا سایر مسائل در تصمیمات آن ها دخیل نباشد و در ادامه شک و شبهاتی در داوری ها به وجود نیارد.

و این حسن بزرگی است که این دوره جشنواره ملی موسیقی جوان با خود دارد و می تواند منشأ تحول فراگیر و الگوبرداری قرار گیرد. چرا که آنچه در موسیقی سرانجام اهمیت دارد صدایی است که می شنویم از این رو حذف حاشیه ها و شبه ها و پیشگیری از ایجاد آن ها حرکت اصلاحی عمده و

